

یا خبر عکاسی، یا جامی حسانی

سید اولیا زاده

مجموعه داستانهای کوتاه

عمورا ۱

سرشناسه : اولیاءزاده، حمزه، ۱۳۶۲-
 عنوان و نام پدیدآور : عمور/ مولف حمزه اولیاءزاده.
 مشخصات نشر : تهران: نسیم، ۱۳۹۱
 مشخصات ظاهری : ج .
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۱۶۶-۹-۷
 وضعیت فهرست نویسی : فیفا
 مندرجات : ج. ۱- یک جرعه نگاه، یک جام حیرانی.
 موضوع : شعر فارسی — قرن ۱۴
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۱ ۷۴۴۸/۷ PIR۷۹۶۲
 رده بندی دیویی : ۸۱۶/۶۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۹۳۳۰۷

یک جرعه نگاه، یک جام حیرانی

مؤلف: حمزه اولیاءزاده

طراحی بونفورم، لوگوی مجموعه و گرافیک: محمد سعید نقاشیان

ویراستار: کتابون رجیی راد

چاپ اول: ۱۳۹۱/ تهران/ اشمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۱۶۶-۹-۷

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.

نشر نسیم

م. امام حسین، خ. صفای غربی، کوی سلیمانی، کوی سلیمانی ۲، روبروی بن بست توکلی، پ ۱

تلفن: ۰۵۷۴-۳۳۲۵۰-۴۹۹۰-۷۷۶۰۴۷۴۱۱-۹۱۲۵۰

فکس: ۳۳۷۹۰۳۲۴

www.nasimapub.com

info@nasimapub.com

kataynoni@gmail.com

فهرست

۷	 دیباچه
۱۱	 نگاه یک
۱۷	 نگاه دو
۲۳	 نگاه سه
۲۹	 نگاه چهار
۳۷	 نگاه پنج
۴۳	 مشک یک
۴۹	 مشک دو
۵۵	 مشک سه
۶۱	 مشک چهار
۶۷	 حیرانی یک
۷۳	 حیرانی دو
۸۱	 حیرانی سه

دیباچه‌ی عمورا

بسم الله عَمَى العباس!

فتگی و شیعی دست در آغوش هم دارند، هر چند شیفتگی همه‌ی شیعی نیست، به شعور و خردورزی، شهود و خداورزی نیز پاره‌های دیگر شیعه‌گری‌اند؛ اما با همه، در تشیع، شیدایی و شیفتگی در میان بیروان به ساحت اهل بیت آفتاب (س) بگاه ویژه‌ای دارد و آبشخور شور شیعی، عشق به خاندان پیامبر خدا (ص) است. الله (س)، عدل کلام‌الله‌اند و کلام و کردار آنان هم‌زبان و وحی‌نامه‌ی الهی قلمداد شود؛ اهل بیت (س) تداوم خدا در خاکند؛ یادمان‌های پیامبر (ص) در میان مردم، بیت (س) همگی متعلق عشق شیعه‌اند، همگی‌شان هم محبوب خالقند هم شوق خلاق.

در این میان عشق عباس (ع) حکایت دیگری است... عباس یعنی «بسیار ترشروی»، «غایت عبوس»، «شیر خشمگین بیشه»، «شیری که شیران از او بگریزند»، «نهایت پرابهت».

در شیعه، عباس (ع) شیرین‌ترین ترشروی هستی‌ست؛ به شهادت می‌ماند؛ «احلی العسل» است؛ مهربان‌ترین غضبناک جهان است؛ تجلی ابهت خداوندی و تظاهر طوت سبحانی‌ست.

خورشید بزرگ‌ترین و دلپذیرترین لبخند خدا در خاک است، در نزد شیعه، عباس (ع) رشیدی‌ترین خنده‌ی خداست؛ او قهقهه‌ی خدا در دلتنگی‌های بشریت است. س (ع)، نماد آشتی و انباشت عقل و عشق، خشم و خرد، وفا و ولا، عزم و اراده، و... است؛ آری او ابوالفضائل است؛ «پدر همه‌ی فضیلت‌ها».

اما بلند کلامی که درباره او گفته شده از حضرت صادق (ص) است، صادق آل محمدر در وصفش فرموده: کان عمنا العباس بن علی، نافذ البصیره، صلب الایمان، جاهد مابی عبدالله (ع) و ابلی بلاء حسنا و مضی شهیدا؛ عموی ما عباس بن علی (ع) تیزبیر و ژرفنگر و استوار ایمان بود، در کنار حضرت ابی عبدالله (ع) جهاد کرد و آزمایش خوب پس داد و فرجام به شهادت برد.

در حکایت عباس (ع)، روایت مشک، حدیث دیگری دارد، در ذهن و ضمیر شیعه مشک، مشک نیست، اشک است؛ اشک، اشک نیست، اقیانوس است؛ قطره نیست دریا است، اشک شیعه، پیوندی دیگر با مشک دارد، اشک شیعه، مشک زاد است، اصا اشک شیعه، دم مشک عباس است!

اما حمزه، حمزه ی اولیا راه: یکپارچه استعداد است، استعدادی روبه رویش؛ در سینه دل دارد از جنس آب، از تبار آینه؛ در کالبد، روحی دارد لطیف و در سر، شوری دارد شگفت در جان، عزمی دارد سکون دنی؛ او آینده ای خواهد داشت تابناک، دلپذیر، بشکوه، گرم مبارک، چون خورشید. اما در این وانفسا ای دنیا! بهترین گریزگاه و گره گشا، «توکل به بارگاه باری و «توسل» به ساحت حضرات معصومین (ع) است.

در هر حال، حمزه ی عزیز را به «خردورزی» توأم با «شیدایی» و «محبت» آمیختن به اکسیر «معرفت» توصیه می دارم؛ گو این که از دیرباز گفته اند: عشق و عقل خصم خونی همد! اما طفل حقیقت در مامگاه معارضت زاده می شود و عقل کامل، مادر عشق متعالی ست، آن چه با عشق در تعارض است، عقل نیست و آن چه زیر بار عقل نمی رود، هوس است.

عمورا، قرائتی است از حکایت عباس (ع)؛ روایتی است از حدیث مشک؛ سقایتی است چشمه ی اشک. در عمورا تراوه ها و تراوشات ذوقی حمزه در زلال عشق و شیفتگی اش به ساحت عباسی فروچکیده و اثری بذیع، در قالبی تازه خواندنی، بس دلپذیر و الب تجربه سان برای همالان و همبالانش پدید آورده است. من به خاطر خلق این اثر حمزه دست مرزاد و خداپسیراد می گویم و برایش آینده ای چنانی که گمان می رو خورشیدی آرزو می کنم.

کوتاه‌نوشته را با دو دوبیتی که نذر مشک و اشک عباس (ع) گفته‌ام، فرجام
بخشم:

غربت تو، علقه خونبار گریست لب‌تشنه فرات هم شرربار گریست
تیر، نه آب ریخت بر خاک از دست کز شرم تو، چشم مشک هم زار گریست

و هرم حرم، یم از بصر افشاندی خون‌لخته‌ی دل ز چشم تر افشاندی
بیهوت، جهان شد از تو هنگام وصال مشتاق، چنان تو دست و سر افشاندی

کمترین غلام عباس بن علی (ع)
علی اکبر رشاد